

یا حنا الزما

جمعه های انتظار؛ چگونه با انتظار قائم آل محمد(ص)، خونخواه اباعبدالله(ع) باشیم؟

از امام باقر(ع) نقل شده است: در روز عاشورا این گونه به همدیگر تعزیت و تسلیت بگویید: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بئاره مع ولیّه الامام المهدیّ من آل محمد علیهم السلام»؛ (۱) خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولیّ او حضرت مهدی از آل محمد علیهم السلام، طلب خون آن حضرت کرده و به خون‌خواهی او برخیزیم.»

این است که مسأله خون‌خواهی «ثار الله»، امری مهم و جدی است و باید از این طریق، در نزد خداوند کسب و جاهت و آبرو نموده، به درگاهش تقرب جوئیم و نزدیکی به درگاه امام حسین(ع) را نصیب خود سازیم. برای این خون‌خواهی و دستیابی به ثمراتش، باید به «انتظار» امام منصور و یاری شده از طرف خدا بمانیم.

آشکار است که «انتظار»، آداب و ادبیات لازم خود را می‌طلبد؛ از این رو باید در حوزه پیام و بیان به تبیین و تویب آن همت گماریم و حوزه‌های اندیشه، فرهنگ و عینیت جوامع شیعی و اسلامی را با عطر نجوای «این الطالب بدم المقتول بکربلاء» معطر سازیم و به هم‌پیوستگی این دو فرهنگ را روشن کنیم.

در سایه «فرهنگ عاشورا» دست‌مایه‌های غنی از جریان‌شناسی «ظلم و جور» به دست می‌آید؛ از یک طرف با «پاکان و پاکی‌ها» و از طرف دیگر با «تمامی پلیدی‌ها و ناپاکان» مواجه هستیم. در این صورت وجود ما ملامت از دوستی و موالات نیکان و برائت و بی‌زاری از ناپاکان می‌شود. «پلیدان تاریخ» مؤسس «ظلم و جور» بودند و انتصاب «خلافت و امامت وحیانی» را به استهزا گرفتند. بنیان حکومت خویش را بر اساس ظلم و جور بنا کردند و ستم‌های فراوانی به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان روا داشتند: «و بالبرائة ممن اسس اساس ذلک و بنی علیه بنیانه و جری فی ظلمه و جوره علیکم و علی اشیاعکم.» (۲) من برائت و بی‌زاری خود را از این جریان سه‌گانه که به وسیله پلیدان شیطان صفت به وجود آمده است اعلام می‌دارم و تقرب به خدا و سپس تقرب به شما را می‌طلبم و دوستی شما و دوستی دوستان تان را جویا هستم.

فرهنگ «موالات» نمایانگر نشانه‌هایی است که ما را به دین رهنمون می‌شود و نیز عهده‌دار اصلاح تمامی حوزه‌های امور دنیوی ما است و مضامین و بیان مزبور در زیارت «جامعه کبیره» نوازشگر جان‌های عاشقان اهل بیت علیهم السلام است: «و بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا»؛ در سایه موالات و دوستی متقابل شما پاکان هستی، معالم دین که همان نشانه‌های رساننده به دین است-تعلیم می‌شود و تمامی فسادهای دنیوی را-در شکل‌ها و نظام‌های مختلف آن اصلاح می‌گرداند.

با این نگاه به موالات است که ما نه تنها نیازمند؛ بلکه ناچار و مضطر به موالات با شما هستیم و از تمامی بیگانگان و اندیشه‌ها و جریان‌های غیر وابسته شما خود را جدا می‌سازیم. کانون تلاش و کوشش ما تنها در جهت بسط «فرهنگ موالات» با شما است. با این نگاه آنچه مربوط به دشمنان شما و غیر از شما باشد، بر نمی‌تابیم و بر خود هیچ تسامح و تساهلی را روا نمی‌داریم، بلکه با شدت تمام می‌تازیم و در این مسیر جان می‌بازیم، زیرا مجرای فیض الهی شماست و در آستان شما فوز و نجات آشیانه گرفته است: «من اتاکم نجی... و صلّ من فارقکم.» (۳) هرکس از شما جدا شود، گمراه می‌گردد و تمامی هستی‌اش گم می‌شود. این همان «خوض» و به زمین فرورفتن و در دل خاک گم شدن است.

«فاز الفائزون بولایتکم»؛ یعنی با ولایت شما پاکان هستی است که می‌توان سر به آسمان عبودیت و قرب حق سایید و جام «قرب حق» و «قرب شما» را یک جرعه سرکشید. این ادبیات موجود در متون دعایی (همانند زیارت جامعه و حدیث قدسی زیارت عاشورا) در جای جای وجود ما می‌خلد و دعوت حق را با فطرت انسان عجین می‌کند.

در این صورت حال تحمل دیگران را ندارم چرا که رسد به دشمنان شما که رگ غیرت دینی ام را از جا می‌کند و هستی را بر من تنگ می‌کند. آری ما تولا و تبرّا داریم و با خود دروغ نمی‌گوییم و با دیگران مزاح نمی‌کنیم؛ «و اتقرب الی الله ثمّ الیکم بموالاتکم و موالاته ولیکم، وبالبرائة من اعدائکم و الناصبین لکم الحرب، وبالبرائة من اشیاعهم و اتباعهم، ائی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولیّ لمن والاکم و عدوّ لمن عاداکم.» (۴)

این سان «فرهنگ عاشورا» بر آسمان دل ما می‌بارد و گام به گام ما را به سمت و سوی فرهنگ سرسبز مهدوی روانه می‌سازد و ما را در این معبر از «نینوا» تا «انتظار» همراهی می‌کند. ما باید از سرزمین گرم و خشک نینوا و دشت تفتیده و تکیده‌اش عبور کنیم و با کوله‌بار «فرهنگ عاشورا»، افق «انتظار» را نشانه رویم و غزل‌هایمان را این گونه سردهیم: «السلام علی ربیع الانام و نصره الاّیام» «سلام بر بهار مردم و خرمی روزگاران.» (۵)

همراهی در دنیا و آخرت

«فأسأل الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفة اولیائکم و رزقنی البرائة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا و الاخرة». وقت درخواست از خداوند فرا رسیده است؛ خدایی که معرفت شما و معرفت دوستان و اولیای شما را بر من کرامت فرموده و برائت و بی‌زاری جستن از اعدا و دشمنان شما را بر من روزی کرده است. درخواست و سؤال من این است که خداوند، من را در دنیا و

آخرت، با شما «پاکان و مطهران» قرار بدهد. «معیت و همراهی» با شما در دنیا و آخرت، درخواست من است؛ زیرا پس از شناخت و معرفت از «پاکان» و «پلیدان»، عشق و محبت من نمی‌تواند «کور و سرگردان» باشد و من جهت خود و سمت‌وسوی «قرب و بعد» خود را می‌یابم و شکل می‌گیرم و از گم شدن رهایی می‌یابم.

می‌خواهم وجودی سرشار و در حال زیاد شدن و فائز گشتن بیابم. این در صورتی ممکن است که با پاکان آزاد از هرگونه پستی‌ها و زشتی‌ها همراه باشم و وجود خویش را وسعت و عمقی بالنده و رشد یابنده دهم. این حرکت را نهایی نیست و محدوده‌ای او را نمی‌تواند در حصار کشد، بلکه جهتی مستمر و بی‌نهایت را نشانه گرفته است. از این رو معیت و همراهی را در دنیا و آخرت و در ظرف بی‌حصار می‌طلبم.

ثبات قدم

«و ان یتبت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا و الآخرة»؛ درخواست دیگرم از خدا این است که در دنیا و آخرت، ثبات مرا در پیشگاه شما «پاکان» عنایت فرماید؛ به گونه‌ای که ثبات قدم صادقانه و حقیقی داشته باشم. در این «معیت و همراهی» با شما افراد بسیاری بوده‌اند ولی آن را درک نکرده‌اند و ثبات قدم صادقانه و حقیقی نداشته‌اند.

«و اسأله ان یبلغنی المقام المحمود لکم عند الله»؛ «و از خدا درخواست می‌کنم که مرا به مقام پسندیده‌ای برساند که در پیشگاه خداوند برای شما وجود دارد.» «و ان یرزقنی طلب ثاری [کم] مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم»؛ «درخواست می‌کنم به این که خون‌خواهی شما را همراه با امام مهدی، رهبر و راهنمای ظاهر و گویای به حق از خود شما روزی ام گرداند.» پس از بصیرت یافتن، در دو حوزه «دشمن‌شناسی» و «معرفت پاکان و اولیا» و تعیین موضوع و شکل‌گیری ایمان (حب و بغض و سلام و لعن)؛ فرهنگ عاشورا به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم تا معیت و همراهی، ثبات قدم صادقانه، مقام محمود و خون‌خواهی ثار الله همراه با امام مهدی را نصیب و بهره ما کند.

همچنین بیان می‌کند که نالایقان، چگونه حسین زهرا را در نینوا رها کردند و به طوفان «کرب» و «بلا» سپردند و دست از «معیت» او شستند و ثبات قدم صادقانه با وی نداشتند. نتیجه آن شد که «ثار الله» زمین را گلگون و زمان را شفق‌گون کرد. در زیر سنگ‌ها اشک عبیط و خون تازه جاری شد. سید الشهداء علیه السلام با یاران اندک ولی با وفایش، پرده جهالت و تحیر ضلالت را از رخ تاریخ کنار زد و مشعل راه‌یاب گیتی شد. همان گونه که سپاهیان امام حسین علیه السلام غربال شدند و تنها یاوران پاک، خالص و باوفای او باقی‌ماندند؛ یاران حضرت مهدی نیز غربال خواهند شد. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: «و الله لا یكون ما تمدون الیه اعینکم حتی تمحصوا و تمیزوا و حتی لا یبقی منکم الا الاندر فالاندر» (۶) «به خدا قسم! آنچه که چشم به راه آن دارید، انجام نپذیرد تا آنکه پاک شوید و تمییز یابید و تا آنکه نماند از شما مگر کمتر و باز کمتر.» امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که فرج شما کی خواهد بود، فرمود: «هیئات، هیئات لا یكون فرجنا حتی تغربلوا، ثم تغربلوا، ثم تغربلوا» (۷)؛ «فرج و ظهور حضرت اتفاق نمی‌افتد، مگر آنکه شیعیان غربال شوند... [و به شدت در امتحان الهی شرکت کنند]»

و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «... هیئات، هیئات لا یكون الذی تمدون الیه اعناقکم حتی تمحصوا، [هیئات] و لا یكون الذی تمدون الیه اعناقکم حتی تمیزوا و لا یكون الذی تمدون الیه اعناقکم حتی تغربلوا...» (۸) هرگز! هرگز! آنچه بدان گردن کشیده‌اید و چشم‌انتظار آن هستید (قیام مهدی علیه السلام) انجام نخواهد گرفت، تا آنکه «پاک» شوید و آنچه بدان گردن کشیده و منتظرش هستید، نخواهد شد تا آنکه «تمییز» گردید و آنچه چشم به راهش هستید و گردن بدان کشیده‌اید، نشدنی است تا اینکه غربال شوید.»

مراقبت از اعمال

همواره باید مراقب احوال خود باشیم تا هجوم فتنه‌ها، شهوات و شبهات، رهزنی نکند و همچون مدعیانی نباشیم که گفتند: ای حسین! به کوفه درآی که ما سخت مشتاق دیدار و نصرت تو هستیم. او همگان دیدیم که چون یخ در مقابل دما و گرما، آب شدند و ذلیلانه به خانه‌هایشان خزیدند و یا سفره‌های چرب، آنان را دین‌فروش ساخت.

انتظار، آماده‌باش بودن است و آداب خود را می‌طلبید؛ از این رو در احادیث آمده است: «انتظار الفرج من اعظم الفرج»؛ (۹) «انتظار خود بزرگ‌ترین فرج است» و «انتظار الفرج من الفرج»؛ (۱۰)

«انتظار جزئی از فرج می‌باشد». منتظر در دوران انتظار مؤدب به آداب و ادبیات انتظار است و آن را تنها یک حالت نمی‌پندارد؛ بلکه می‌داند انتظار، برترین اعمال است. «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»؛ (۱۱)

منتظر کسی است که در حال آماده‌باش است. در روایتی آمده است: «کمن کان فی فسطاط القائم»؛ (۱۲) «هرکس منتظر قائم آل محمد باشد، همانند کسی است که در خیمه جنگی حضرت در حال آماده‌باش است.»

گفتنی است که در زیارت، حضرت مهدی علیه السلام نیز مانند امام حسین علیه السلام «وتر موتور» نامیده شده است؛ از این رو شخص منتظر، از فرهنگ عاشورا می‌آموزد که: زمینه‌سازان قدرت ظلم و جور، از طریق فتنه، شبهات و شهوات، چگونه مردم آن عصر را رصد کرده، سالار شهیدان را تنها گذاشتند! در نتیجه تصمیم می‌گیرد که مبدا همانند آن نامروّتان، «مهدی زهرا» را تنها بگذارد و اسیر فریب‌های زمینه‌سازان قدرت دشمن اهل بیت شود: «اللهم لا تجعلی من خصماء آل محمد»؛ (۱۳) «پروردگارا! مرا از دشمنان آل محمد قرار نده.»

زمینه‌سازان و مقدمه‌چینان قدرت ظلم و جور، به خوبی از شیطان آموخته‌اند که حوزه‌های وجودی آدمی را، چگونه در معرض شهوات قرار بدهند و به اعتیاد و عادت رسانند، پس از آن شبهات را نصب و علم کنند که در این صورت به خوبی نقشه آنان جواب می‌دهد. حضرت سجاد علیه السلام این شگرد شیطان را در «صحیفه سجادیه» افشا می‌کند: «یتعرض لنا بالشهوات و

ینصب لنا بالشبهات» (۱۴)

امام حسین علیه السلام فرمود: برای او [امام مهدی علیه السلام] غیبتی است. در این غیبت برخی از دین برمی‌گردند و برخی ثابت قدم می‌مانند. هر که در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می‌شود و بر ایجاد شبهاتی از این قبیل که اگر شما راست می‌گویید وعده ظهور کی خواهد بود؟- استقامت کند، به قدری از اجر خداوند بهره‌مند می‌گردد که انگار در کنار پیامبر با شمشیر بر دشمنان جنگیده است.» (۱۵)

شیاطین و زمینه‌سازان قدرت ظلم و جور، با ترفندهای گوناگون و جاذبه‌دار در صدد رهزنی یاران حضرت ولی عصر (عج) خواهند بود. پس باید بر انواع اذیت‌ها، آزارها، تکذیب‌ها، فتنه‌گری‌ها و شبهه‌افکنی‌ها صبر و استقامت کنیم.

دشمنان می‌خواهند که حضرتش برای همیشه «وتر موتور» و تنها گذاشته شود. آنان طرح و نیت‌هایی دارند و با آن حضرت عداوت‌ها و دشمنی‌ها می‌کنند. اللهم اذلّ کلّ من ناواه»؛ «خدایا هر که نیت بدی نسبت به او دارد، ذلیل گردان» «و اهلك کل من عاداه»؛ «خدایا همه دشمنان او را هلاک گردان» آنان برای او مکر و کیدهایی در نظر دارند: «و امکر لمن کاده»؛ «خدایا با کسانی که برای [مهدی] مکر و کید می‌کنند، خودت مکر بفرما.» «و استأصل من جحده حقه»؛ «خدایا ریشه‌کن فرما کسی را که منکر حقانیتش می‌باشد.» و امرش را سبک می‌شمارند: «و استهان بامر»؛ «خدایا! کسی که امر حضرت صاحب را سبک بشمارد ریشه‌کن فرما.» سعی و تلاش دارند که نورش را خاموش سازند: «و سعی فی اطفاء نوره» و می‌خواهند که ذکر و یاد مهدی را به دست فراموشی بسپارند: «و اراد اخماد ذکره.» (۱۶)

آنان همچنان که سالار شهیدان را با انواع طرح‌ها، تنها و بی‌یاور ساختند؛ می‌خواهند امام عصر علیه السلام نیز تنها و بی‌یاور بماند. نباید دل‌خوش داشت که ما دغدغه غیبت و آرزوی ظهورش را داریم؛ زیرا بسیاری برای امام حسین علیه السلام، نامه دعوت نوشتند و خیلی از او یاد کردند؛ اما در موقع نیاز، آن حضرت را تنها گذاشتند!

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چون قائم قیام کند، کسی که خود را اهل این امر می‌پنداشته است، از این امر بیرون می‌رود؛ در مقابل، افرادی مانند خورشیدپرستان و ماهپرستان، به آن می‌پیوندند.» (۱۷) پس «انتظار» ثبات قدم می‌خواهد: «ثبتنا علی مشایعته»

«خدایا! ما را بر دنباله روی و شیعه بودنش، ثابت قدم بدار.» مگر نه این است که دشمنان امام حسین علیه السلام سابقه‌های ویژه‌ای داشتند و از خواص بودند؟! «نینوا» معارف و عبرت‌ها را بر ما تمام کرده و اتمام حجت نموده است.

باید از خدا بخواهیم که: «و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام.»

ثبات قدم صادقانه و با حسین بودن و همانند اصحاب حسین بودن را باید بخواهیم تا اینکه این جریان ادامه یابد و در رکاب فرزندش مهدی موعود، جزء خون‌خواهان «ثار الله» باشیم و این‌گونه نینوا را معبر انتظار سازیم. ان شالله. (۱۸)

منابع:

- ۱- شیخ طوسی، مصباح المتجهد؛ المحرم و شرح زیارة الحسین علیه السلام، ص ۷۱۳ و ۷۱۴؛ مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا
- ۲- فرازی از زیارت عاشورا
- ۳- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره
- ۴- زیارت عاشورا
- ۵- زیارت حضرت مهدی علیه السلام
- ۶- نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۸، ج ۱۵
- ۷- طوسی، الغیبة، ص ۳۳۹
- ۸- نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۸، ج ۱۶
- ۹- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
- ۱۰- همان، ص ۱۲۸۱
- ۱۱- همان، ج ۵۰، ص ۳۱۷
- ۱۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۲۵
- ۱۳- مفاتیح، دعای زمان غیبت
- ۱۴- صحیفه سجادیه، دعای ۲۵، دعای در حق اولاد
- ۱۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳
- ۱۶- مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه
- ۱۷- فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۵۸، نعمانی، الغیبة، ص ۴۲۴
- ۱۸- نینوا و انتظار (تاملی نو)، صص ۱۱۷-